

دستورهای سیاه یا « قانون امر به معروف و نهی از منکر »
حکومت دیفکتوی جهل و وحشت طالبی !



ح «حریف»

قانون ، دساتیر و قواعد عمومی و اجباری است که بخاطر تنظیم رابطه ها، استقرار نظم و تامین عدالت اجتماعی تدوین گردیده که در صورت نقض و تخطی از آن تنبیه و یا مجازات را در پی دارد. شهروندان از بالا تا پایین همه در برابر قانون موقف و مسئولیت های یکسان داشته و بر همگان بصورت یکسان قابل تطبیق است. قوانین منشاء و مبداء خود را از قانون اساسی ، مصوبات، قواعد اخلاقی و تعالیم دینی – مذهبی و آداب و رسوم گرفته و جهت حمایت از حقوق و آزادیهای شهروندان وضع میشود.

قانون که در نظام های دموکراتیک ممثل دموکراسی بوده ، برخلاف در نظام های مطلقه ، ارتجاعی و استبدادی ابزار تحکیم پایه های استبداد و سرکوب مردم بشمار می آید. در حاکمیت های مردم سالار ، قانون ممثل اراده مردم میباشد که بعد از طی شکلیات معین بوسیله نماینده گان انتخابی شان در اتاق های پارلمان تدوین می یابد.

قانون بنابر خصوصیت همگانی بودن آن ، بر همه ی شهروندان بصورت یکسان قابل تطبیق است. حاکمیت قانون به این معنی است که افراد جامعه بگونه ی همسان و بارعایت هنجار های مشترک رفتار نمایند. چنانچه افراد جامعه از بالا تا پایین در برابر قانون از حقوق و واجبات یکسان برخوردار هستند. حاکمیت های مردم سالار، قدرت اجرایی و صلاحیت خود را از قانون میگیرند، طوریکه قانون بایستی در جهت خواسته های شهروندان سیر نماید. وقتی قانون توسط مردم بوسیله نماینده گان انتخابی شان تدوین می یابد، طبعی است که مصمم و علاقه مند پیروی و اطاعت از آن میباشد ، در نتیجه عدالت اجتماعی به بهترین وجه ممکن آن تامین می شود. درجه آزادی یک جامعه را به اساس فیصدی شهروندانی که زیر چتر حاکمیت قانون قرار دارند، میتوان محاسبه نمود.

قانون بنابر درجه قدرت ، صلاحیت و شکلیات تدوین آن ، به قانون اساسی ، اصول اساسی ، نظامنامه ، قوانین عادی ، مقررات ، اساسنامه ، کارشیوه و... رده بندی میشود.

قانون اساسی و یا قانون مادر، بالاترین و با صلاحیت ترین سند معتبر حقوقی محسوب گردیده که منبع و اتکای سایر قوانین منسلک به آن میباشد. قانون اساسی معین کننده رژیم سیاسی و ساختار آن، سلسله مراتب و یا هیرارشی اداری ، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت ، تفکیک قوای سه گانه دولت اعم از حکومت ، پارلمان و قوه ی قضایه بوده ، همچنان تعیین و تضمین کننده ی حقوق شهروندی بشماررفته و مرکز قدرت دولتی را معرفی مینماید. به همین ترتیب از ساختار و سیاست های اقتصادی و فرهنگی بحث نموده و خطوط کلی سیاست خارجی و روابط میان کشور و سایر دول را تنظیم می نماید.

قانون اساسی طی شکلیات خاصی تدوین می یابد. مطابق روند های مردم سالارانه ، نماینده گان و یا خود مردم هستند که بوسیله ی مجلس موسسان و یا همه پرسی به تدوین و تصویب قانون اساسی می پردازند ، درمیهن عزیز ما مطابق عنعنات تاریخی ، این مجلس بزرگ ملی (لویه جرگه) است که بنا بر دعوت حکومت تدویر یافته و صلاحیت تدوین قانون اساسی را دارد.

بخاطر تطبیق دقیق ، حفاظت و حمایت از قانون اساسی ، در جوامع مختلف ، ساختار های را ایجاد می نمایند ، چون شورای قانون اساسی و یا محکمه قانون اساسی که وظایف آنرا تفسیر قانون اساسی ، انطباق قوانین عادی و منسلک با قانون اساسی تشکیل داده ، تا با قانون اساسی در تعارض واقع نشود.

با آنچه در مورد قانون ، ماهیت و ضرورت آن در حاکمیت های مردم سالار گفتیم ، برمیگردیم که به کارنامه های سیاه و اسارت بار امارت جهل و وحشت طالبی در عرصه تدوین قوانین .

طوری که بعد از ۳ سالگی حیات ننگین شان با بیرون کشیدن دستور العمل های عصر جهالت زیر نام «قانون امر به معروف و نهی از منکر»، یا پامال کننده صریح و خشن حقوق و آزادی های مردم که همچنان قفل سنگینی را بر در های حصر خانگی زنان آزاده ی میهن ما زدند . بر اساس روش های متعارف قانون گذاری ، اصلن نمیشود آنرا قانون نامید. چنانچه امارت طالبی که حاکمیت تحمیل شده بیگانه گان است ، خود از مشروعیت لازم داخلی و جهانی برخوردار نبوده و صلاحیت تدوین قانون را نیز ندارد.

طالبان به تازه گی یک مجموعه ۱۱۴ صفحه یی بانام «قانون امر به معروف و نهی از منکر» را منتشر نموده که شامل ۴ فصل و ۳۵ ماده میباشد. طالبان به وسیله این قانون کنترل رفتار ، گفتار ، عقیده ، عبادات و شیوه ی زنده گی شخصی شهروندان کشور را بدست گرفته اند. قانونی که مبنای آن فقه حنفی معرفی شده است. مندرج قانون یاد شده چنین توصیه شده که از تعصب قومی و زبانی خود داری شود ، ولی برخلاف ادعای بی بنیاد شان ، یادی از تکرر مذهبی منجمله مذهب شیعه که ملیونها پیرو در افغانستان دارند ، ذکری بعمل نیامده است. صدای زنان حتا برای قرائت قران کریم هم عورت دانسته شده ، تصاویری را که با اجسام زنده به نمایش گذاشته میشود، ممنوع قرار داده و بر علاوه نکتایی را از نشانه های کفری معرفی نموده اند.

وقتی به این قانون خود خوانده طالبان توجه نماییم ، می بینیم که چگونه طالبان تحجرگرا زنان را از همان آوان تحمیل شدن شان بوسیله بیگانه گان ، توام با خشونت تمام به حاشیه رانده و بر مبنای قانون تازه شان به زندانهای سربازیا حصر خانگی ثوق داده اند ، هدف کلی آنها ، حذف زنان از اجتماع انسانی است، چنانچه با تحقق و عملی نمودن قانون نامبرده ، زنان جایگاه کار در اجتماع انسانی ندارند. در قانون نامهاد آمده است که صدای زنان عورت بوده و بر شنیده نشدن آن دستور داده شده ، همچنان به پوشانیدن چهره و بدن زنان به

نسبت « ترس از فتنه!» امر شده است. ممنوعیت نشر تصاویر جانداران در رسانه ها ، نشنیدن موسیقی ، ندیدن فلم ها و ویدیوها ، منع تراشیدن ریش و اصلاح موی خلاف شریعت ، گذاشتن حداقل ریش تا یک قبضه ، منع پوشیدن نکتایی و ترویج صلیب ، دستور منع تجلیل از نوروز ، شب یلدا ، آتش بازی وحتا منع گفت وگویی زنان با مردان از موارد دیگر قانون متذکره میباشد.

برعلاوه پنهان کردن چهره زنان از مردان نامحرم ، دوری زنان مسلمان از زنان کافر، منع مردم از داشتن رابطه دوستی با کافران و کمک کردن به آنها ، همچنان ممنوعیت شنیدن صدای زنان ویا موسیقی بیرون از خانه ویا مجلس ، ازپهلوهایی دیگر این قانون است.

مطابق ماده ۱۹ قانون متذکره پخش موسیقی درموتورهای مسافربری وحمل ونقل وانتقال زنان بی محرم شرعی ممنوع شده ، جلوگیری از نشستن واختلاط زنان با مردان نامحرم ، امتناع از انتقال زنان بدون محرم شرعی ی عاقل وبالغ . مکلف نمودن مردم ، راننده گان ومسافرین به ادای نماز جماعت .

ماده ی ۲۲ ممنوعیت ها ومحدودیت های تازه ایرا برشهروندان وضع نموده ، چون منع استفاده از تایپ ، رادیو وسایراشیای مانند آن ، منع تماشای عکس ، فیلم ، اشیای زیروح از کمپیوتر، موبایل وسایر اشیای مانند آن . سندی که به اجراکننده گان اش (محتسبان) صلاحیت های بی حد وحصر داده است ، چنانچه محتسبان میتوانند نقض کننده ها وتخطی کننده ها را به دلیل اشتراک نکردن در نماز جماعت به محکمه طالبان بکشانند. خطرناکتر وخشونت بارتراز همه اینکه ، دست محتسبان تا آنجا باز گذاشته شده که در برابر تخطی کننده ها هرطوریکه خود شان تصمیم میگیرند عمل نمایند.

درماده ۲۴ قانون متذکره به ارتباط صلاحیت های بی حد وحصر محتسبان میخوانیم که ، «محتسب میتواند انجام دهنده منکر را توصیه ، تنبه ، تهدید با الفاظ قهرآمیز، تعزیرمرتکب منکر وتلف نمودن مال آن. برعلاوه حبس از یک تا ۲۴ ساعت در زندان مربوط به محتسب وحبس یک تا ۳ روز در زندان عمومی ودر نهایت جزای که محتسب آنرا مناسب بداند.

وقتی چنین دساتیر اسارت بار واگنده از خشونت را می بینیم ، سطح مداخله وتخطی های توام با اجبار امارت جهل و وحشت طالبی علیه حقوق وآزادیهای شهروندان وحریم شخصی آنها ، ضد ارزشهای انسانی بوده وبیم آن وجود دارد که عنقریب طالبان وارد اتاق های خواب شهروندان نیز خواهند شد!

ظالمانه ترین وخشونتبار ترین بخش قانون امربه معروف ونهی از منکر طالبی ، ماده ۲۴ آن است که صلاحیت های اجرایی وقضایی به یک ملای فارغ مدرسه های « دیوبندی» بنام محتسب سپرده شده که بامغز شستشوشده اش ، بوی اذتامین عدالت حقوقی وقضایی را نمی برد. اما درنظام های قانونمند صدور احکام مجازات وآنهم سلب آزادی یا مجازات حبس در زندان ، صرف از صلاحیت های دادگاه هاست وبس.

مساله ارتکاب جرم وصدور مجازات از مباحثی بس با اهمیتی اند که از جانب دولت ها بوسیله ارگانهای حفظ وحراست حقوقی یا دستگاه های اجرایی وبخصوص قضایی در اتکا با قوانین نافذه متنی وشکلی مورد رسیده گی عادلانه قرارداده میشود ، یعنی بخاطر رسیده گی به اتهام وارده به یک متهم ، پرونده ی ترتیب ، طوریکه بعد ازطی مراحل کشف وتحقیق ، جمع آوری مدارک ودلائل کافی الزام ، ترتیب اتهامنامه وتعقیب قضایی بوسیله دادستان(سارنوال)، تدویر جلسات قضایی ، باحضورداشت طرفین پرونده یا دادستان و متهم ، دادن حق دفاع برای متهم بوسیله ی خود اش یا وکیل مدافع قانونی آن در مقابل اتهامات وارده ی دادستان ، بر رسی عادلانه قضایی دوسیه در جلسات قضایی ، اصدار حکم به اتفاق ویا اکثریت آرای هیات قضایی دادگاه

باصلاحیت، رعایت حق اعتراض بر فیصله ی دادگاه، درپیشگاه دادگاه های سه گانه ، مرحله تجدید نظروتا قطعی شدن حکم .

با آنچه گفته آمدیم ، نادیده گرفتن موارد قانونی بالا و برخلاف ، دادن صلاحیت های بی حدو حصر برای محتسب طالبی ، دقیقن میتوان آنرا اجراءات «دادگاهای صحرائی» عنوان داد که در استبدادی ترین وظالمانه ترین حاکمیت ها چنین برخورد های سبک سرانه و ضد حقوق بشری علیه حق آزادی وحق زنده گی شهروندان به مشاهده نمی رسد. واما با تاسف باید اذعان نمود که حاکمیت استبدادی طالبان ، هرگز به حق زنده گی و آزادی انسانها کوچکترین ارزش واهمیتی قایل نیستند.

بادریغ ودرد ، طالبان بعد از «معامله ننگین دوحه» باواشنگتن وسپردن حاکمیت به آنها، مرتکب جنایات عدیده ی ضدبشری وخانمان براندازعلیه جان ، مال وشرف مردم ما شده اند که به حواله رسانه ها ، گزارش های سازمان ملل ونهاد های حقوق بشری که اکثرن مستند سازی نیز شده ، گردیده اند که درصدر این جنایات قتل های زنجیره یی بشکل صحرائی بدون حتا یک ورق سوال وجواب ، تجاوزگروهی به عفت زنان ودختران ،اختطاف های توام با قتل ، ازدواج های اجباری وزیرسن و...قراردارد.

سران طالبان برخلاف مندرجات مواد ۴ ، ۱۳ ، ۱۷ و ۲۲قانون امربه معروف ونهی از منکر، بارها مقابل کمره های مدیا قرار گرفته ومصاحبه های تصویری انجام داده ، تلویزیون ملی طالبان نشرات تصویری اشرا ادامه داده است. چنانچه درهمان روز توشیح قانون متذکره ازطرف ملا غیبت الله ، جناب ستانکزی معاون سیاسی وزارت خارجه طالبان باخانم «رافیلایودیشه» نماینده اتحادیه اروپا در کابل ملاقات تصویری را انجام داده وبه همین ترتیب ، ۴ روز بعد از تویشح قانون شان، معاون والی کندهار، در زیر ریش ملا غیبت الله با خانم «دوراوتوینباوا» ریس یوناما درکابل دیدار تصویری داشته است.این بدان معنی است که قانون متذکره وسیله تعمیل خشونت وسرکوب گری علیه شهروندان وبخصوص قشر زنان میهن ما بوده وآنها خودشانرا مکلف به رعایت قانون متذکره ندانسته وکسی هم حق سوال کردن دراین زمینه ها ، از آنها را نیز ندارد.

به گواهی تاریخ ، باری رهبران دینی یهودان (خاخام ها) وقتی دساتیر ، اوامر ونواهی ایرا که صادر می نمودند ، این خاخام ها خود شانرا ممشول رعایت کننده گان ندانسته وبه حیث برتر های قوم یهود به معرفی می گرفتند. در شرایط موجود ،همین سران طالبان که خودرا مکلف به رعایت دساتیر من درآوردی شان نمی دانند، هیچ تفاوتی با خاخام های یهودی ندارند.

محترم «حسام» آگاه مسایل دینی وعضو شورای علمای افغانستان میگوید ، طالبان خودرا بالاتراز پیامبر قلمداد نموده وحتا در جایگاه خدا قرار داده اند. طوریکه آنها مندرج قانون امر به معروف ونهی از منکر، برای مردم «تعین تکلیف» نموده و خود شانرا از این تکلیف مستثنا به حساب آورده اند. درحالیکه ، تمام انبیای که دین را باخود آورده اند ، مافوق واستثنا نبوده وخود شان نیزمشمول «تکالیف» بوده اند. طالبان که خودرا درمسند خدا قرار داده ، کسی حق سوال کردن از آنها را ندارد.

جناب «حسام» ادامه میدهند که در قرآن نیزهمین شیوه متبارز است ، طوریکه هیچ کس حق سوال کردن از خدا را ندارد. تکلیف عبارت از هدایاتی است که از جانب خدا بالای بنده گان اش نازل میشود ، می بینیم که درهر بند قانون طالبان ، مردم چون اوامر خدایی مکلف دانسته شده اند ، در حالیکه این صرف خداوند است که بنده گانش رامکلف به ادای بنده گی ، انجام عبادات ، بقیه کارهای نیکووپرهیز از منکرات مینماید.

محترم حسام مخالفت صریح قانون امر به معروف ونهی از منکر طالبان را با قرآن کریم مطرح می سازد ، طوریکه قانون متذکره اوامر خداوندی را که در قرآن آمده ، خود «تقنین» نموده ، درحالیکه چنین تقنین کردن ها، درموجودیت و نافذ بودن قرآن ممنوع می باشد. قانونگذاری در حوزه شریعت الهی جایز نیست. چنانچه وقتی مردم اوامر خدایی را در زمینه عبادات انجام میدهند، ثواب و حجر کمایی نموده و در صورت اغفال و عدم انجام ، عقوبت شان در آخرت از جانب خدا مقدر میشود.

هموطنان عزیزدقیقن بخاطر می آورند که طالبان بارها در برابر طرح سوال، خلای قانون اساسی درامارت شان از جانب رسانه ها با یک سر و هزاران زبان اذعان میکردند که ، درموجودیت قرآن عظیم الشان که بالاترین قانون خدایی مسلمانان است، بنده گان و یا مسلمانان حق ندارند و نمیتوانند از طرف خود قانون تدوین نمایند. مگر چه واقع شد که باچرخش ۱۸۰ درجه یی ، به صدور قانون امر به معروف ونهی از ومنکرپرداختند؟ . طالبان که توأم باطرفند ها ، از بام تا شام دروغ میگویند ، بر اساس حرف معروف ، «دروغگو حافظه ندارد». از جانبی دیدگاه ها، ایدولوژی و عملکرد های طالبانی آکنده از تناقض گویی و کذب است.

به سلسله واکنش های داخلی و بیرونی علیه قانون متذکره ، سازمان ملل ، وزارت امر به معروف ونهی از منکر طالبان رابزرگترین ناقض حقوق بشردر افغانستان خوانده وقانون مذکور را مشابه به قانون داعش در سوریه دانسته است که در سال ۲۰۱۵ دستور العمل های مشابه را در مورد پوشش زنان ودختران ، نپوشیدن لباس های کوتاه وچسپ ، منع آنان از صحبت مردان ، منع تراشیدن ریش ونوع پوشش مردان و درنهایت دادن صلاحیت های گسترده برای محتسبان صادر نموده بود. سازمان ملل به چنین نتیجه رسیده که طالب و داعش از نظر دیدگاه و عملکرد همسان بوده وچنین ممنوعیت ها ومحدودیت ها علیه شهروندان را جنایت جنگی شمرده است.

اگر سازمان ملل وجامعه جهانی درحمایت از آزادی وحقوق شهروندی قرارداداشته و جنایات ضد بشری طالبان علیه مال ، جان وشرف میهن وبخصوص جنایات خشونتبار ارتکابی شان علیه قشر زنان را جنایت جنگی وجنایت علیه بشریت به حساب می آورد، پس چرا واشنگتن به اتکای ارقام انتشار یافته منابع خودشان تا کنون بیشتر از ۳ میلیارد دالر کمک نقدی به این لشکر جهل و وحشت وناقضان حقوق بشر تادیه نموده ودرتعامل را با آنها باز گذاشته اند. از جانبی این سازمان ملل وجامعه جهانی در اتکاه با مدارک ، اسناد وجنایات بیشماریکه بوسیله طالبان در طی ۳ سال عمر ننگین شان ارتکاب یافته ومستند سازی نیز گردیده است ، چرا پرونده جنایی برای آنها ترتیب ننموده وبه دیوان دادگستری جهانی درلاسه گسیل نمی دارند. همانطوریکه درارتباط با نسل کشی فلسطینی ها بوسیله صیهونیست های اسرائیل که جنایات علیه بشریت به حساب آمده وبوسیله ریس جمهورافریقای جنوبی ، پرونده ی اتهامی ترتیب وبه دادگاه عدالت جهانی در لاهه فرستاده شده که درنتیجه دادگاه متذکره به محکومیت دولت اسرائیل حکم صادرنمودو...

برخلاف سران طالبان که درلست سیاه سازمان ملل ، واشنگتن واتحادیه اروپا بوده وحتا سراج الدین حقانی که درلست سیاه پولیس فدرال امریکاقرار داشته وجایزه ۱۰ میلیون دالری برای دریافت رد پایش گذاشته شده ، آزادانه گشت وگذار نموده وبه دوحه وتهران و...رسمن سفر مینمایند.

به ارتباط واکنش های جهانی ، دیدبان حقوق بشرمیگوید طالبان میخواهندجهان را آزمایش نمایند ، چنانچه طالبان بامنع دخول ریچاردبنت گزارشگر حقوق بشرسازمان ملل در باره افغانستان ، میخواهند آزمایش نمایند

که آنها عقب نشینی مینمایند یا خیر. قبل براین طالبان اشتراک زنان در نشست سوم دوحه را تحریم نمودند که آب از آب تکان نخورد. وزارت خارجه امریکا در وجود خلیل زاد از تغییر طالبان حرف زده که گویا نسبت به دوراول امارت شان دگرگون شده اند، شرم و ننگ بر این شرکای بالامنزاع طالبان بنام «جهان آزاد».

قانون امر به معروف و نهی از منکر طالبان، در کل یعنی حذف کامل زنان از ساحات کارهای اداری، تولیدی و اجتماعی. چطور میتوان زنی را استخدام نمود که در کنار سایر کارکنان نامحرم سخن نزده و رویت نشود. صدور قانون متذکره بعد از ۳ ساله شدن حکومت دیفکتوی شان، در سطح جهان و بخصوص بیش از ۵۰ کشور مسلمان پیشیه نداشته و ندارد.

آخرین به ارتباط و اکنش های داخلی، آقای ندامحمد ندیم سرپرست وزیر و ازرت تحصیلات عالی طالبان، در برابر طرح سوالی که چه وقت در های مکاتب و دانشگاه ها بروی قشر زنان و دختران باز میشود؟ جناب ندیم با لحن تحدیدآمیز، رسانه های داخلی و خارجی را خطاب قرار داده و باصراحت لهجه اظهار نمود: «همانطوریکه آموزش زنان و دختران ممنوع است، طرح سوال در این مورد تارفع ممنوعیت آن نیز ممنوع میباشد». و بعد چنین ادامه داد که اگر علما دین در این زمینه دلایل شرعی دارند، او حاضر است با آنها مناظره ی دینی انجام دهد. در این میان جناب شیخ الاسلام صبغت الله مولوی زاده از جمله آگاهان مسایل دینی و رحانیون میهن پرست دارالعلوم ولایت هرات طی ویدیوی دیداری گفت که حرف های آقای ندیم در زمینه ممنوعیت آموزش زنان دیدگاه های خود شان بوده و او حاضر و آماده مناظره دینی است که در حضور رسانه های داخلی و بین المللی با آقای ندیم این مناظره ی را انجام دهد. و اما تاکنون جناب ندیم با سکوت مرگبارش صدای خود را در برابر فراخوان شیخ الاسلام مولوی زاده بلند نکرده است. پاسخ روشن است که اصلن پاسخ مستدلی در اتکای ارشادات دینی و شریعت وجود نداشته و ندارد.

طالبان ریچارد بنت گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل را از سفر به افغانستان ممنوع نموده و ازجانبی فشار شدید بر رسانه و تحمیل خود سانسوری بر آنها، اصلن حاضر نیستند تا جنایات ضدبشری شان ثبت، مستند سازی و همگانی شود. ریچارد بنت گفته است که به مستند سازی تخطی های ضد بشری طالبان مثل گذشته ادامه میدهد.

در اخیر متکی به گزارش سازمان بهداشت جهان در مورد مرگ و میر مادران میخوایم این ارقام را بازرسانی نمایم اینک:

در افغانستان در هر ۲۴ ساعت، ۲۴ مادر حامله بنا بر نبود خدمات بهداشتی در بخش زایمان فوت می نمایند. گزارش تاکید مینماید که در شرایط کنونی حد اقل به ۷۸۰۰ تن از قابله ها نیاز جدی وجود دارد.

طالبان!

شما سکانداران امارت سیاه و دکانداران دین، و شما مفرزه جنگی جنگ های نیابتی بیگانگان!

آیا شما به حیث قاتلین، مسئولیت از دست دادن جانهای شیرین این همه مادران را ندارید؟؟ آیا تنفیذ و تطبیق قانون خشونت بار «امر به معروف و نهی از منکر» تان در زمینه حذف زنان از جامعه به حیث پدیده زشت و ضد بشری «آپارتاید جنسیتی» ارقام این همه قتل و تلفات انسانیهای بیگناه را افزایش نمیدهد؟؟؟

ح «حریف»

آلمان - آگست ۲۰۲۴